

# تحول در نظام آموزش و پرورش از نگاه معلمان

## اشاره

این روزها در کمتر جمعی از معلمان می‌توان شنونده‌ی موضوعی جز تغییر و تحول بود. در این میان، عده‌ای با نگاه منتقدانه و عده‌ی دیگری با پذیرش کامل تغییرات پیش آمده، برای به‌کارگیری شیوه‌هایی برای تأثیرگذاری بیشتر در گذر از گذشته و پیوستن به حال می‌کوشند. از میان هزاران گفت‌وگوی معلمان در گوشه و کنار کشور، جلسه‌ی بی‌آلایش و صمیمانه‌ی جمعی از معلمان استان گلستان را در خصوص «تغییرات در آموزش و پرورش» برگزیدیم. با هم گزارش جلسه‌ی را می‌خوانیم:

منتظر می‌ماندند تا مگر در مدرسه‌ای مجهز، معلمی علاقمند به این کار اقدام کند. البته چنین معلمانی تا به امروز هم کم نبوده‌اند، اما این کافی نیست و تحولاتی از این دست لازم است تا منابع و یافته‌های روز با سرعت بیشتری در اختیار همه‌ی دانش‌آموزان و معلمان قرارگیرد.»

**فاطمه روحی** کاملاً با نظر نوروژی موافق است. او که سرگروه حرفه‌وفن استان گلستان و دبیر این درس در مدرسه‌ی فرزنانگان، شهرستان گرگان است می‌گوید: «یکی از مسائل مهم در آموزش و پرورش به ویژه در شهرستان‌ها دسترسی به شیوه‌های نوین در آموزش است که در برخی موارد به تجهیزات و دانش و مهارت‌ویژه‌ای نیاز دارد. در چنین شرایطی، گاهی لازم است علاوه بر ارائه‌ی اطلاعات، مسیری طراحی شود که طی آن عوامل دست‌اندرکار ملزم به اجرا و انجام شوند. یعنی هم در باور و عقیده‌ی افراد این تغییر ایجاد شود که باید امروز متفاوت از دیروز و

ریاضی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی در شهرستان گرگان است، برای پاسخ پیش‌قدم می‌شود و نظرش را با یک پرسش ارائه می‌دهد: «آیا آموزش و پرورش امروز ما با چالش‌هایی روبرو نیست؟ فکر نمی‌کنم کسی پاسخ منفی به این سؤال بدهد. همین اندازه کافی است که بپذیریم، وقتی با مسئله‌ای مواجه هستیم، باید برنامه‌ای برای ایجاد تغییر و دریافت پاسخ مناسب از آن داشته باشیم. برای مثال، هوشمندسازی مدارس و به تبعیت از آن مجهز کردن معلمان به دانش و فناوری روز که می‌تواند تعمیق یادگیری دانش‌آموزان را در پی داشته‌باشد، از جمله مواردی است که در سند ملی تحول در آموزش و پرورش مطرح است. حال تصور کنید اگر بنا بود چنین تغییری به این شکل و به این وسعت رخ ندهد، در این صورت تا چه زمانی باید دانش‌آموزان ما در تحجر فناوری و دورافتادگی از فناوری روز و آخرین شیوه‌های یادگیری قرار می‌گرفتند؟ چقدر باید

سال تحصیلی جاری از آن سال‌هایی است که یک موضوع به طور مداوم در گفت‌وگوهای رسمی و غیررسمی همکاران فرهنگی به گوش می‌رسد: «تغییرات و تحولات در آموزش و پرورش». به همین خاطر تصمیم گرفتیم در جلسه‌ی این چندان رسمی گرد هم آییم و بدون تکلف، از احساس و برداشت خود از تغییر، سخن بگوییم.

رسمی نبودن جلسه از همان ابتدا پیدا می‌شود. هنوز همگی نرسیده‌اند که حاضران شروع به نظر دادن می‌کنند.

از همین جا می‌شود نظرات را در گروه‌های معینی دسته‌بندی کرد. گروه موافقان که به تغییرات بیشتر در برنامه و صرف وقت نظر دارند و گروه موافقان دیگری که تعجیل در ایجاد تغییرات را مهم می‌دانند.

برای آغاز گفت‌وگو و ایجاد انگیزه می‌پرسم: «اساساً چرا باید تغییراتی شکل بگیرد و لازمه‌ی آن چیست؟»

**ظاهره نوروژی** که از دبیران

## اساساً چرا باید تغییراتی شکل بگیرد و لازمه آن چیست؟



از نتیجه کار راضی نیستیم. این در حالی است که آموزش و پرورش رسالتی جز این ندارد و سایر امور در واقع به نوعی زمینه ساز هستند تا به تربیت انسانی با ویژگی های یاد شده دست یابیم. بر این اساس، شاید همیشه هم صرف زمان زیاد پاسخگو نباشد. اینکه باید بررسی های دقیق و زیادی صورت گیرد جای هیچ بحثی ندارد، اما به نظر می رسد با سرعتی که رشد دانش و مهارت در دنیا دارد، صرفاً زمان گزینه کافی و کاملی برای تأیید درستی یک برنامه نیست، بلکه باید در دل اجرای برنامه، بررسی و اصلاحات دقیق و مؤثر هم اعمال شود.»

در جمع حاضر، مسئول واحد فناوری اداره کل آموزش و پرورش استان گلستان هم شنونده این سخنان است. **فاطمه قره داغی** با توجه به نوع کار خود و ارتباطی که با فناوری نوین در آموزش و پرورش دارد، ضرورت تغییر و چگونگی اجرای آن را با تغییر زاویه نگاه به سوی معلم و پررنگ کردن نقش او مربوط می داند و می گوید: «در حال حاضر، پژوهش ها نشان می دهند که میزان یادگیری دانش آموزان در

کشور است. بنابراین، مناسب ترین نقطه آغاز برای ایجاد تغییر، همین نظام است. برای این منظور، باید پس از تعیین اهداف، برنامه ریزی و اجرا صورت گیرد. اما زمانی تغییر می تواند پیام آور نتایج مثبت باشد که در مراحل اولیه و در مقیاس های کوچک تر ارزیابی شود و بر اساس نتایج ارزیابی، پذیرای تغییرات و اصلاحاتی نیز شده باشد. بنابراین، من هم مانند بسیاری دیگر با ایجاد تغییرات موافقم اما برای اجرا در سطح وسیع بررسی های بیشتر و صرف زمان بیشتری در اجرای اولیه برنامه در محدوده معینی را لازمه کار می دانم.»

**ناصر گرزین** به این موضوع نگاه دیگری دارد. او رئیس گروه آموزش راهنمایی و هدایت تحصیلی استان گلستان است و این مسئولیت ایجاب می کند با نگاهی کلی تر به این سؤال پاسخ دهد. او توضیح می دهد: «سال هاست که دغدغه همه معلمان و فرهنگیان بر ایجاد شرایطی در آموزش و پرورش که برون داد آن دانش آموزانی متعهد، مسئول، صادق، فعال، کارآمد و با اخلاق باشد. همواره این تلاش وجود داشته و البته هنوز هم غالباً ما

فردا متفاوت از امروز عمل کنم و هم شرایط برای این تحولات فراهم گردد. برای اینکه از مثال دور نشویم، به همان اشاره می کنم که چطور سند تحول و تأکید آن بر هوشمندسازی می تواند از یک طرف مسئولان را به مجهزسازی مدرسه وادارد. از طرف دیگر معلمان را به فراگیری فنون و مهارت های مرتبط با آن ترغیب کند و در نهایت زمینه استفاده لازم و مورد نظر را برای دانش آموزان مهیا کند.

نکته قابل توجه دیگر در این راه، بومی شدن هر برنامه است، به شکلی که برای نمونه، طراحی و تدوین محتوای الکترونیکی در شهرستان گرگان، مبتنی بر شرایط و ویژگی های موجود در این شهرستان، انجام می گیرد و این ممکن نبود مگر در شرایطی که برنامه تحول در کشور با توجه به شرایط و پتانسیل های موجود، از ریشه طرح ریزی شود.»

اما در این بین، **انسیه سیفی دبیر** دیگر حاضر در جمع نظر متفاوتی دارد. او چنین می گوید: «در این موضوع شکی نیست که آموزش و پرورش در هر کشوری، نظامی مهم در امر توسعه و پیشرفت آن

## انتظار می‌رود که رسانه، مدرسه و معلم و در کنار همه این‌ها خانواده نیز خود متحول شوند

کلاس‌هایی که در آن‌ها از شیوه‌های نوین استفاده می‌شود، بسیار بیشتر از کلاس‌های سنتی است. شاید بدیهی بودن این موضوع به اشاره به منابع هم نیاز نداشته باشد. تأکید در استفاده از شیوه‌های نوین آموزشی در سند تحول آموزش و پرورش می‌تواند نویدبخش ایجاد تغییرات اساسی در کلاس درس باشد. اگر چنین تغییری مورد توجه معلمان قرار گیرد، در این صورت این معلمان هستند که سند تحول را اجرایی کرده‌اند. بر این اساس، آیا همین معلمان مناسب‌ترین گزینه برای نظارت در کار خود، بررسی دقیق چگونگی اجرای تدریس و به‌کارگیری شیوه‌های نوین آموزشی و اعمال اصلاحات در کار خود نیستند؟ داشتن نگاه اینگونه که این سند متعلق به من و تمام فرهنگیان است و همه ما در اجرای آن نقشی داریم که شاید بی‌اغراق از مسئولیت کسی که طراحی آن را بر عهده داشته است هم بیشتر و مؤثرتر است، می‌تواند تضمین‌کننده توفیق آن باشد.»

**انسیه سیفی**، دبیر مدارس راهنمایی شهرستان گرگان، در ادامه نظرات همکاران و در تکمیل عقیده خود می‌افزاید: «اشاره به نقش مهم و مؤثر معلمان در اجرای برنامه‌های مرتبط با آموزش و پرورش چیزی از مسئولیت برنامه‌ریزان کم نمی‌کند. بدیهی است که بدون سند تحول هم لازم است معلم بر کار خود بیش از دیگران حساس باشد، نظارت کند و تغییر برای داشتن روند رو به رشد را سرلوحه قرار دهد. اما تعیین راهبردهای کلی از اهمیت بالایی برخوردار است و موجب می‌شود معلمانی هرچند اندک که به

تغییرات اساسی و رشد و پیشرفت کاری خود فکر نمی‌کنند، در راهی قرار گیرند که برنامه کلان از آن‌ها خواسته است. در مقاله‌ای از معلمی می‌خواندم که گفته بود من هر سال تمام نمونه سؤال‌های سال قبل را کنار می‌گذارم تا بتوانم دوباره سؤال طرح کنم. او این کار را می‌کند تا برای سال جدید تفکر تازه‌ای داشته باشد و کارش تکراری نباشد. چنین معلمی منتظر سند تحول نیست تا تغییر رو به رشد داشته باشد، اما سند تحول در آموزش و پرورش می‌تواند برای او و سایر معلمان تعیین‌کننده مسیرهای جدید و رو به تکامل بیشتری باشد.»

**محمد طبرسا** دبیر و سرگروه ریاضی استان گلستان که تاکنون شنونده نظرات بود، برای تکمیل و توضیح بیشتر آنچه مطرح شد می‌گوید: «تاکنون از معلم به عنوان ایفاکننده نقش اصلی و ریشه‌ای و البته مسئولان و برنامه‌ریزان به عنوان متولیان تغییر و تحول در آموزش و پرورش صحبت شد. اما آنچه در سند تحول نیز تأکید شده، عناصر و عوامل دیگر همچون خانواده و

رسانه است. این به معنای آن است که تربیت نسل جوان تنها در گروی کار معلم و نقش‌آفرینی او نیست. بنابراین، شاید بهتر باشد به موضوع تغییر و تحول در آموزش و پرورش به این صورت نگریسته شود که برای ایجاد تحولاتی اثربخش به ویژه در آموزش و پرورش همبازی و همگامی رسانه‌ها و خانواده‌ها لازم است تا بتوانیم اهداف متصور در سند تحول را به نتیجه مورد انتظار برسانیم.

بر این پایه، انتظار می‌رود که رسانه، مدرسه و معلم و در کنار همه این‌ها خانواده نیز خود متحول شوند. آگاهی‌های لازم ارائه شود و برای ایجاد باورهای نوین، به منظور پذیرش تحولات و همسوسازی با آن‌ها، تلاش شود تا امکان ظهور اهداف فراهم شود.»  
نظر طبرسا موجب شد که دایره نگاه از آموزش و پرورش به حیطه وسیع‌تری که عوامل مؤثر دیگری را نیز دخیل می‌داند گشایند شود. در این راستا **فریده پیلهور**، مدیر مدرسه راهنمایی دخترانه ابن‌سینای ۲ در شهر گرگان می‌گوید: «با این وصف می‌توانیم

## نگاه اول و آخر در ایجاد تحول و تغییر در آموزش و پرورش به معلمان است

از الزامات جدایی‌ناپذیر در تحقق اهداف تحول در آموزش و پرورش است.»

**زینده ملالو،** دبیر زبان انگلیسی مدرسه راهنمایی ۱۲ فروردین ۲، که با تعمق بسیار تا به اینجای بحث را دنبال می‌کرد، برای جمع‌بندی و اتمام این گفت‌وگو نظر خود را چنین بیان می‌کند: «شاید بد نباشد کمی دورتر از این جمع، به افرادی بیندیشیم که ارائه سند تحول برای آن‌ها به معنای لزوم ایجاد تغییر نیست. در چنین شرایطی چه باید کرد؟ آیا منطقی است از افرادی که تغییر و ضرورت آن را باور ندارند، انتظار داشته باشیم خود را با آن همسو کنند؟ آیا ارائه یک برنامه به تنهایی برای ایجاد شرایط لازم در تحول کافی است؟ بدیهی است که در حال حاضر با شروع تحولات بنیادی در آموزش و پرورش، بیش از هر زمان دیگری لازم است به ایجاد باورهای تازه در ذهن مجریان برنامه، که بی‌شک معلمان از اصلی‌ترین آن‌ها هستند، اندیشیده شود. اینجاست که ناگزیریم همچنان که این گفت‌وگو از مسئولان و معلمان و توجه به باورها و مهارت‌ها و اطلاعات آن‌ها آغاز شد، به همین جا نیز آن را ختم کنیم که معلمان و نحوه ایجاد تغییر در ذهن و باور آن‌ها باید بیش از هر اقدام دیگر مورد نظر و توجه مسئولان قرار گیرد.»

از تمامی همکاران شرکت‌کننده در گفت‌وگو تشکر می‌کنیم و ضمن آرزوی موفقیت معلمان در ارائه بهترین‌های کاری خود در مسیر تحول، در انتظار دریافت نظرات شما در این باره هستیم.



بسیار نقش معلم به تأثیر غیر قابل کتمان سایر عوامل نیست. او که دبیر ریاضی مدارس راهنمایی تحصیلی در شهرستان گرگان است می‌گوید: «با این همه، در جمع معلمان، نگاه اول و آخر در ایجاد تحول و تغییر در آموزش و پرورش به معلمان است و البته این نگاه چندان دور از ذهن هم نیست. هنگامی که در سند تحول از معلمان به عنوان مربی یاد می‌شود و تأثیر او بر مسائل تربیتی و آموزشی دانش‌آموزان هم‌اندازه تأثیر مربیان پرورشی و دینی ذکر می‌شود و نیز زمانی که با تأکید بسیار به حذف و کم‌رنگی معلم محوری به عنوان شیوه‌ای سنتی در آموزش و پرورش اشاره می‌شود تا در نتیجه آن دانش‌آموزانی داشته باشیم که آگاهانه تصمیم بگیرند و در همه ساحت‌های علمی و تربیتی گام بردارند، با خود می‌اندیشیم که شیوه کار من به عنوان معلم باید دگرگون شود و به سمت تعالی و رشد بیشتر حرکت کند. بر این مبنا، تفکر معلم برای ایجاد تغییر در فنون معلمی، در شیوه ارائه درس، در نحوه ارزیابی از آموخته دانش‌آموز، در نگاهش به نوع یادگیری و ... همه

نتیجه بگیریم که اگر امروز از نتیجه به دست آمده از تربیت و آموزش خود در مدرسه رضایت کاملی نداریم و اگر بروندهای آموزش و پرورش با اهداف تعیین شده به طور کامل منطبق نیستند و مواردی از این دست، نمی‌توان انگشت اتهام را تنها به سوی آموزش و پرورش نشانه گرفت و فقط از آن انتظار داشت که برای حل مسئله اقدام به‌کاری کند. بر همین اساس است که در سند تحول آموزش و پرورش نیز از عناصر دیگر نام برده شده است. به عقیده من زمان آن رسیده است که فرهنگیان، اعم از معلمان و سایر افرادی که به نوعی با تعلیم و تربیت دانش‌آموزان روبه‌رو هستند، برای ایجاد بینش و آگاهی افراد جامعه که تعداد بسیاری از آنان را والدین دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند بکوشند و البته در کنار این اقدام همگانی، خود نیز در محدوده شغلی‌شان، متناسب با انتظارات مطرح شده در برنامه تحول، مناسب‌ترین اقدام را برای ایجاد تغییر بردارند.»

در این بین، **فریده انصاری** چندان موافق تغییر موضوع از تأثیر